

سایه سنگین سانسور بر مطبوعات

۲۰ خرداد ۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۲۹

رضاخان در دوره وزارت جنگ به مشیرالدوله (رئیس الوزراء) پیغام می‌دهد که یا روزنامه حقیقت را توقیف کنید یا می‌سپارم که دیگر به دربار راهتان ندهند. مرحوم مشیرالدوله هم که بجز کناره گیری راهی را در مقابل خود نمی‌بیند، استعفا داد.

سرکوب آزادی بیان و اعمال نظارت و سانسور شدید بر مطبوعات و نشریات، مهمترین ویژگی حکومت‌های استبدادی است. امری که بارها در تاریخ معاصر ایران در برهه‌های مختلف از جمله دوره رضاشاه اتفاق افتاده و مطبوعات را از رسالت حقیقی آنها دور کرده است. رضاشاه از همان آغاز ورود به عرصه سیاست، به قلع و قمع مخالفان و منتقدان پرداخت و بسیاری از روزنامه‌نگاران را ترور و یا برکنار کرد. این سیاست، با ترور کسانی چون میرزاده عشقی آغاز شد و به تدریج [مطبوعات](#) را با دوره‌ای از اختناق و سانسور مواجه ساخت.

سانسور مطبوعات از چه زمانی کلید خورد؟

بسیاری معتقدند که نقطه عطف [سانسور مطبوعات](#) در دوره رضاشاه با [ترور میرزاده عشقی](#) آغاز شد. در واقع قتل میرزاده عشقی، سردبیر روزنامه قرن بیستم، به منزله زنگ خطری برای مطبوعات بود. بعد از این اتفاق، حملات روزنامه‌ها به رضاخان و بریتانیا نیز شدت گرفت ۱ و بسیاری از روزنامه‌نگاران به سیاست‌های رضاخان پیرامون مطبوعات اعتراض کردند. البته پیش از آن نیز رضاخان به انتقادات مطبوعات واکنش‌های سختی نشان داده بود. از جمله وقایعی که در این دوره حساسیت رضاخان نسبت به مطبوعات را نشان می‌دهد، واکنش وی به مندرجات روزنامه حقیقت درباره اختلاس‌های سردار اعتماد، رئیس قورخانه و انتقاد و اعتراض به سوء استفاده افسران از موقعیت خود می‌باشد. با توجه به این اعتراض و انتقاد، رضاخان از رئیس الوزراء خواستار توقیف روزنامه مزبور می‌شود. او به مشیرالدوله (رئیس الوزراء) پیغام می‌دهد که یا روزنامه حقیقت را توقیف کنید یا می‌سپارم که دیگر به دربار راهتان ندهند. مرحوم مشیرالدوله هم که بجز کناره گیری راهی را در مقابل خود نمی‌بیند، استعفا داد. ۲

با این حال بعد از ترور میرزاده عشقی، فصل جدیدی از سانسور مطبوعات آغاز شد. ظاهراً در این دوره رضاخان، یک بهانه تازه برای فشار بر مطبوعات پیدا کرده بود و آن هم قتل کنسولیار آمریکا، رابرت ایلمبری بود. ایلمبری در جریان حضورش در یکی از سقاخانه‌های تهران توسط مردم کشته شد. او که برای عکاسی از سقاخانه به آنجا رفته بود، وقتی شروع به عکاسی کرد مردم با تصور اینکه ایلمبری برای مسموم کردن آب سقاخانه آمده است، او را زیر مشت و لگد گرفته و کشتند. رضاخان از این بهانه استفاده کرد و ضمن ایجاد حکومت نظامی، به توقیف بسیاری از روزنامه‌ها پرداخت. چنانچه ۳۰ جولای ۱۹۲۴، (۲۹ تیر ۱۳۰۳) سردبیران روزنامه‌های شهاب، ناصرالمله، سیاست، قانون و آسیای وسطی، که پس از قتل عشقی در مجلس بست نشسته بودند، در نامه‌ای

به کرفلد وزیرمختار آمریکا، حاکم شدن فضای ترور و اختناق را چنین توصیف می‌کنند:

«دولت فعلی که اقداماتش موجب ناامنی و وحشت شده، از حادثه قتل کنسولیار آمریکا استفاده کرده است. دولت همزمان با دستگیری مسببین این جنایت و توقیف تمام روزنامه‌های آزادی‌خواه و ملی، اکنون به انتقام جویی از مخالفان سیاسی خود یعنی مردم، احزاب مشروطه و اقلیت مجلس، برخاسته است. ۳. البته اقدامات رضاخان در دوره نخست‌وزیری و پیش از آن تنها به این اقدامات محدود نشد، بلکه طبق دستور او مأموران نظمیه موظف به کنترل مطالب روزنامه‌ها شدند. بر همین اساس بخشنامه‌ای از سوی وزارت نظمیه به مدیران جراید ابلاغ شد که ضمن آن: «۱. مدیر جریده مؤظف شد هیچ روزی صبح و عصر روزنامه را بدون اطلاع و اخطار و اجازه مأمورین شعبه انتشار ندهد. ۲. به کلیه ماشین‌خانه‌های مطابع اخطار شد همه روزه روزنامه‌های چاپ شده را نگاه دارند تا نظمیه، اجازه انتشار آن را بدهد. ۳. به کلیه مطابع و مدیران جراید و اتاقهای حروف چینی اخطار شد که هیچ خبر و مقاله‌ای را بدون امضای مأمور سانسور نچینند و اگر فوریت داشت به شعبه مطبوعات برده اجازه بگیرند.» ۴

فشار بر مطبوعات بعد از سلطنت

فشار رضاخان بر مطبوعات در این دوره به حدی زیاد بود، که وقتی به سلطنت رسید، جایی برای فشار و کنترل بیشتر بر مطبوعات باقی نماند. در این شرایط که بیشتر روزنامه‌ها تحت کنترل حکومت قرار داشتند، تنها به انعکاس مطالبی پرداختند که حاوی تعریف و تمجید از رضاشاه بود. به عنوان نمونه در جریان انتقال قدرت از قاجار به پهلوی، بسیاری از روزنامه‌ها به انتقادات گسترده از حکومت قاجار و شخص احمدشاه پرداختند و با نوشتن مقالات متعدد به او تاختند. به طور کلی کنترل بر محتوای مطبوعات در دوره سلطنت رضاشاه در دو مرکز انجام می‌گرفت.

«وزارت کشور با تأسیس اداره راهنمای روزنامه نگاری به ریاست علی دشتی و همکاری عبدالرحمن فرامرزی، ابوالقاسم پاینده، احمد والیبی و ابوالقاسم شمیم، وظیفه بازبینی مطبوعات و انتشار مقالات تبلیغاتی را برعهده گرفتند. محورهای عمده سانسور، مخالفت با مصالح زور، تبلیغ کمونسیم و مخالفت با سلطنت بود. شهربانی نیز با ایجاد تشکیلات جداگانه‌ای سه وظیفه حساس ترجمه جراید خارجی برای شاه، نظارت وسیع بر چاپخانه و نظارت بر جراید را بر عهده گرفته بود.» ۵ بعد از اینکه رضاشاه شرایط خفقان‌آوری بر مطبوعات ایجاد کرد، بسیاری از روزنامه‌ها و جراید مخالف و منتقد محکوم به سکوت و یا توقیف شدند. اگر روزنامه‌ای در انتقاد و یا مخالفت با رضاشاه مطلبی درج می‌کرد، خیلی زود با واکنش مستقیم نهادهای نظامی و امنیتی روبرو می‌شد.

اتفاقی که برای بسیاری از روزنامه‌نگاران از جمله **فرخی یزدی** روی داد. محمد فرخی یزدی شاعر شجاع و متمایل به دموکرات‌های مشروطه‌خواه بود که **روزنامه طوفان** را منتشر می‌کرد. او که زمانی به دلیل انتقاد منظوم از ضیغم‌الدوله قشقایی، حاکم یزد، لبانش را با نخ و سوزن دوخته بودند، اما او هرگز دست از انتقاد و مبارزه بر نداشت و به افرادی چون رضاخان، وثوق‌الدوله و قوام‌السلطنه می‌تاخت. پس از اینکه خواستار محاکمه رضاخان گردید، روزنامه‌اش را توقیف کردند و او را به زندان انداختند. ۶ علاوه بر اینها، رضاشاه در راستای تکمیل فشار بر مطبوعات دست به تشکیل نهادهای گسترده‌ای چون سازمان پرورش افکار نیز زد که به عنوان یک ارگان تبلیغی- تربیتی بر تمام مطبوعات سیطره داشت.

سخن‌نهایی

مطبوعات یکی از مجاری مهم در نشر افکار و اندیشه‌های گوناگون است و با توجه به محدود بودن تعداد شبکه‌های ارتباطی در دوره مورد نظر، نهادی مهم جهت مشارکت سیاسی محسوب می‌شد. رضا شاه با آگاهی از این موضوع و تأثیر تعیین کننده مطبوعات بر قدرت خود، کنترل و نظارت بر مطبوعات را به دست گرفت تا راه هر گونه تهدید بر قدرت مرکزی را از بین ببرد. او گذشته از اقدامات قانونی و تویب قوانین کنترل کننده بر مطبوعات، در بسیاری از موارد به حذف فیزیکی و یا مقابله مستقیم با بسیاری از روزنامه‌نگاران پرداخت.

فهرست منابع

۱. محمدقلی مجد، از قاجار به پهلوی ۱۲۹۸-۱۳۰۹ بر اساس اسناد وزارت خارجه آمریکا، مترجمین سیدرضا مرزانی، مصطفی امیری، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۹، ص ۲۹۵.
۲. علیرضا روحانی، "اسنادی درباره وضعیت مطبوعات در عصر رضاخان" گنجینه اسناد، شماره ۲۹ و ۳۰، (بهار و تابستان ۱۳۷۷) ۱۰۳.
۳. مجد، همان، صص ۲۹۸-۲۹۹.
۴. بهزاد همتی و سیروس همتی، "بررسی برخورد رضاخان با مطبوعات با تکیه بر اسناد" ماهنامه پژوهش‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی، شماره دوم، پیاپی ۲، (خرداد ۱۳۹۶)، ص ۱۲.
۵. همانجا.
۶. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سقوط: مجموعه مقالات نخستین همایش بررسی علل فروپاشی سلطنت پهلوی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴، ص ۵۹۲.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۴۸۳۷۶/سایه-سنگین-سانسور-مطبوعات>